اثرات جنگ تعرفه‌ای بر اقتصاد ایران: برآوردها و راهکارها



امین مالکی
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۲۵، آمریکا تعرفه‌های متقابل با نرخ‌های ۱۰ تا ۵۰ درصد (با میانگین بیش از ۳۰ درصد) را بر اقتصادهای آسیایی اعمال کرد. به جز چند استثنا، این سیاست شامل تمامی شرکای تجاری جهانی آمریکا می‌شود. اکثر کشورها از اقدامات تلافی‌جویانه خودداری کرده‌اند، اما چین بلافاصله واکنش نشان داد و چرخه‌ای از افزایش تعرفه‌ها را آغاز کرد. در تاریخ ۹ آوریل، توقف ۹۰ روزه‌ای اعلام شد که نرخ‌های تعرفه را به ۱۰ درصد کاهش داد تا مذاکرات ادامه یابد، با این حال، چارچوب اولیه تعرفه‌ها همچنان مبنای اقدامات آتی آمریکا قرار دارد.

تا ۱۱ آوریل ۲۰۲۵، تعرفه‌های آمریکا بر واردات چین و تعرفه‌های تلافی‌جویانه چین بر کالاهای آمریکایی هر دو به اوج ۱۲۵ درصد رسیدند. این تشدید از پاسخ فوری چین به اقدامات آمریکا در ۲ آوریل آغاز شد و در کمتر از ده روز به سطوحی بسیار فراتر از دوره‌های قبلی رسید. کاهش موقت تعرفه‌ها به ۱۰ درصد در ۱۲ می تنش‌ها را کاهش داد، اما احتمال تشدید مجدد همچنان وجود دارد. تا زمان نگارش این مطلب، آمریکا تنها پنج توافق تجاری را با کشورهای انگلستان، ویتنام، فیلیپین، اندونزی و ژاپن منعقد کرده است. در تمام موارد به جز انگلستان، نرخ‌های تعرفه توافق‌شده بالاتر از نرخ پایه ۱۰ درصد و در همه موارد به‌طور محسوسی بالاتر از سال ۲۰۲۲ است

در حال حاضر تعرفه‌های متقابل آمریکا، تشدید سریع اقدامات متقابل بین آمریکا و چین و مجموعه‌ای از توافقات تجاری جزئی، عدم اطمینان را در اقتصاد جهانی ایجاد کرده‌اند. امروز اگر پژوهشی بتواند دقیق پاسخ دهد که این تعرفه‌ها چه اثری بر حجم تجارت می‌گذارد و بهترین روش‌ها برای پاسخگویی به آن چیست، ارزش بالایی پیدا می‌کند. در اینجا برای ساده‌سازی سناریوی تغییرات تعرفه‌ای را بین وضعیت موجود ۱۰ تا ۵۰ درصدی (سناریوی الف) و وضعیت محتمل سه رقمی شدن تعرفه‌ها (سناریوی ب) خلاصه می‌کنیم.

سناریوی الف

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اگر تعرفه‌ها در همین سطح ۱۰ تا ۵۰ درصد بمانند، می‌توانند طی سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ رشد اقتصادی را در چین به میزان ۰٫۷ درصد و در سایر مناطق آسیا از جمله هند و ترکیه تا ۰٫۴ درصد، در آمریکا ۱٫۷ درصد و در سطح جهانی ۰٫۸ درصد کاهش می‌دهند. این برآوردها توافقات تجاری اعلام‌شده تا ۱۷ جولای و نرخ‌های تعرفه به‌روزشده در مکاتبات آمریکا با اقتصادهای مختلف را نیز دیده‌اند. کاهش رشد اقتصادی و تضعیف چشم‌اندازها می‌تواند قیمت‌های نفت را در سال ۲۰۲۵ به میزان ۱٫۳ درصد و در سال ۲۰۲۶ نزدیک به ۱۱ درصد کاهش دهد.

سناریوی ب

در سناریوی افزایش مجدد تعرفه‌ها به ۱۲۵ درصد، رشد اقتصادی آمریکا ۲٫۵ درصد، چین ۲.۳ درصد و متوسط رشد اقتصادی دیگر کشورها تا ۱٫۴ درصد کاهش می‌یابد که می‌تواند قیمت‌های جهانی نفت را در سال ۲۰۲۵ به میزان ۲٫۷ درصد و در سال ۲۰۲۶ به میزان ۲۱ درصد کاهش دهد. در این سناریو، فروپاشی بازار نفت، شوک تقاضا را تشدید می‌کند و منجر به کاهش تورم در اکثر اقتصادها می‌شود، اما قیمت‌های داخلی در کشورهای درگیر افزایش می‌یابد.

اثر جنگ تعرفه‌ای بر صادرات غیرنفتی ایران

برای ایران در سناریوی الف سه عامل ۱- تغییرات قیمت نفت، ۲- رشد اقتصادی بچین (بازار اول صادراتی) و ۳- رشد اقتصادی ۹ بازار دیگر به ویژه ترکیه و هند (بازار چهارم و هفتم صادراتی) مهم‌ترین مجاری اثرگذاری هستند. در صورت اجرای سناریوی ب، عامل چهارم ۴- رشد اقتصادی عراق (بازار دوم صادراتی و آسیب‌دیده از کاهش شدید قیمت نفت) هم به آن اضافه می‌شود. اینجا اما یک نکته مهم داریم. با توجه به ساختار تجارت خارجی ایران اعم از نوع بازارها و جنس اقلام صادراتی (به چین، ترکیه و هند مواد خام و اولیه مورد نیاز تولید صادر می‌شود و به عراق، افغانستان و پاکستان اقلام مصرفی با مزیت رقابتی جغرافیامحور)، برآوردهای تغییرات صادرات غیرنفتی ایران به ازای رشد اقتصادی ده بازار اول نشان می‌دهد که هر یک درصد کاهش رشد اقتصادی ده کشور اول، تنها بین ۰٫۲ تا ۰٫۳ درصد صادرات غیرنفتی ایران را کم می‌کند. مجموع این کاهش‌ها در سناریوهای الف حداکثر ۳۰۰ میلیون دلار و در سناریوی ب حداکثر ۷۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. لذا پیش‌بینی می‌شود با توجه به حجم تجارت خارجی با این کشورها در پایان سال ۱۴۰۳، «صرفا از ناحیه جنگ تجاری»، در سناریوی الف صادرات غیرنفتی ایران ۰٫۳۴ درصد و در سناریوی ب صادرات غیرنفتی ۱٫۰۳ درصد کاهش پیدا کند.

اثر جنگ تعرفه‌ای بر صادرات نفتی ایران

حال به سراغ حوزه نفتی می‌رویم. کاهش قیمت نفت مهمترین دالان آسیب‌پذیری ایران از جنگ تعرفه‌ای است که در سناریوی الف و ب در سال ۲۰۲۶ به ترتیب ۱۱ و ۲۱ درصد کاهش قیمت نفت اتفاق خواهد افتاد. با تلفیق چند داده مهم از جمله هزینه استخراج حدود ۱۰ دلاری، متوسط تخفیف ۱۲ درصدی (عدم اجرای اسنپ‌بک) و ۱٫۵ میلیون بشکه در روز صادرات برای سال ۲۰۲۶، نزدیک به ۲۳ میلیارد دلار درآمد نفتی برای سال آتی قابل پیش‌بینی است که در سناریوی الف جنگ تجاری این درآمد حدود ۳٫۵ میلیارد دلار و در سناریوی ب حدود ۷ میلیارد دلار کاهش پیدا می‌کند. قیمت نفت برای سال ۲۰۲۶ بر اساس برآورد جی‌پی‌مورگان و اداره اطلاعات انرژی آمریکا (ای.آی.اِی) حدود ۵۸٫۵ دلار در نظر گرفته شده است.

راهکارها

در کوتاه‌مدت حفظ ثبات اقتصاد کلان برای تقویت اطمینان بازار و تاب‌آوری اقتصادی در برابر تکانه‌های خارجی ضروری است. در عین ضرورت تداوم مذاکرات، سیاست‌گذاران می‌توانند از سیاست‌های پولی و مالی ضدچرخه‌ای برای حمایت از تقاضای داخلی و کاهش تاثیر تکانه‌های خارجی استفاده کنند. در میان‌مدت، دولت باید از طریق توافقات تجاری دوجانبه، چندجانبه و منطقه‌ای، سطح یکپارچگی اقتصاد ایران با کشورهای هم‌پیمان را تعمیق بخشد و در بلندمدت با تنوع‌بخشی به خطوط تولید، اتخاذ راهبردهای صادراتی زنجیره‌محور و تقویت یکپارچگی در زنجیره‌های تامین، وابستگی به بازارهای واحد را کاهش دهد. اگرچه این اقدامات ممکن است به‌تدریج نتیجه دهند، برای تاب‌آوری بلندمدت اقتصادی حیاتی هستند و آسیب‌پذیری در برابر تکانه‌های خاص بازار، نوسانات تعرفه‌ای و بی‌ثباتی تقاضا را کاهش داده و ثبات را تقویت می‌کنند. در هر دو سناریوی الف و ب اتخاذ سیاست‌های تجاری مدرن و چندوجهی و

هم‌پوشانی بالای سیاست‌های تجاری و صنعتی برای ورود به زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای ضرورتی است که عدم توجه به آن پیامدهای قابل‌توجه‌ای برای رشد اقتصادی، سطح قیمت‌ها و پایداری بازارهای صادراتی دارد. راه‌اندازی «مرکز ژئوپلیتیک تجارت خارجی» می‌تواند دستور کار مناسبی باشد. مساله اصلی آسیب جنگ تجاری بر صادرات غیرنفتی نیست، اهمیت حیاتی تقویت صادرات غیرنفتی برای جبران آسیب حتمی به صادرات نفتی است.

تا آنجا که به اقتصاد ایران و دیگر کشورهای مشابه ما بازمی‌گردد، تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مبنی بر اعمال تعرفه‌های متقابل بر کالاهای تقریبا همه کشورها، زنگ خطر را در سراسر جهان به صدا درآورده است. تعرفه‌های ترامپ احتمالا جریان تکه‌تکه شدن اقتصاد جهانی را تسریع خواهد کرد و به مانند دیگر موارد، این اقتصادهای در حال توسعه‌ای مانند ایران هستند که بار اصلی عواقب چنین سیاستی را متحمل خواهند شد.

با توجه به نوع کالاها و بازارهای صادراتی، در حال حاضر صرفا به واسطه جنگ تعرفه‌ها با یک سری تهدیدات سلسله‌وار مواجه هستیم. ابتدا جنگ تعرفه‌ها و هزینه‌های تعرفه‌ای، تورم وارداتی را بالا خواهد برد، به دنبال آن احتمال دارد رکود جهانی اتفاق بیفتد، سپس در ادامه به واسطه رکود اقتصاد جهانی قیمت‌های صادراتی کاهش خواهند یافت و در نهایت جریان تشدید عدم اطمینان‌های تجاری به نوبه خود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را کاهش خواهد داد. کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران باید برای محافظت از خود دالانی برای عبور از هرج و مرج ترامپی امروزی بیابند تا بتوانند به تقاضا برای فرصت‌ها و مشاغل مناسب پاسخ دهند.

دستیابی به این امر مستلزم سیاست‌گذاری هوشمندانه و ایجاد تعادلی ظریف میان برخورداری از بازارهای باز جهانی و حفظ حاکمیت اقتصاد داخلی است. روشن‌تر، مهارت و توانایی سیاست‌گذار اقتصادی کشور در اتخاذ تصمیمات مهم اثرگذار بر اقتصاد داخلی، مستقل از منافع دیگر کشورها در عین برخورداری از طیف وسیع منافع مشترک تعیین‌کننده است. البته که گفتن این گزاره آسان‌تر از انجام دادن آن است. ایران به مانند اکثر اقتصادهای در حال توسعه در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیای جنوبی و مرکزی به شدت به صادرات ارزآور صنایع منبع‌پایه و کشاورزی‌پایه وابسته است اما برخلاف عموم کشورهای در حال توسعه که این دو بخش در آن‌ها عموما تحت سلطه شرکت‌های چندملیتی عموما غربی است، ایران وابسته به شرکت‌های چندملیتی بزرگ شرقی یا روشن‌تر چینی است و اتفاقا چین در اینجا یک الگوی کاملا مناسب و مفید است. این کشور پس از پیوستن به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، با مجبور کردن شرکت‌های خارجی به سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های چینی، جریان انتقال فناوری از خارج به داخل را تقویت کرد و شرکت‌های خارجی نیز با انگیزه بالای بهره‌مندی از مقیاس بالای اقتصاد داخلی به سرعت در حال رشد چین و نیروی کار ارزان آن، تن به این اجبار دادند. برخی دیگر از کشورهای آسیایی مانند بنگلادش و ویتنام اما گرچه تلاش فراوانی در جذب شرکت‌های چند ملیتی به خرج داده‌اند و موفقیت‌های زیادی در این زمینه کسب کرده‌اند، اما در داخلی‌سازی تولید و تخصص، کامیابی اندکی یافته‌اند.

اقتصاد ایران در حال حاضر بیش از همه نیازمند یک «سیاست صنعتی ترکیبی» است که ذیل آن اولا یارانه‌های موقت و مشروط با بندهای غروب مشخص و شفاف را با فشارهای رقابتی ترکیب کند. به شکلی که این فشارها به پیشرفت‌ها پاداش دهند و اتلاف منابع را پایین آورند. از طرف دیگر با کاستن از فشار تحریم‌ها باید پذیرای شرکت‌های چندملیتی با انگیزه‌های قوی برای ارتقاء مشارکت فناورانه و داخلی‌سازی تولید به شکلی باشد که به ایجاد شغل خوب منتهی شود.